

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶/۳،
بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۴۴-۹

معادل یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه معنایی*

دکتر محمد رضا پهلوان نژاد^۱

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: pahlavan@um.ac.ir

شراره سادات سرسرابی

دانش آموخته دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

همزمان با عصر ارتباطات و مطرح شدن بحث‌های میان رشته ای، پرداختن به عظمت معنوی آیات و مفاهیم قرآنی از نگاه علوم گوناگون و تلاش در جهت فهم بهتر آن‌ها، بهره گیری از یافته های جدید علمی را می طلبد. این مهم از طریق برگردان آن به زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف امکان پذیر است. روشن است که ارائه ترجمه ای که بتواند با قرآن کریم هم‌آوری کند، قطعاً امری غیر ممکن است، ولی همواره سعی و تلاش شده تا مفاهیم قرآنی به گونه ای صحیح انتقال یابد. با بررسی ترجمه‌ها، تفاسیر و تعبیر موجود واژگان قرآنی از آنجا که نظریه شبکه های معنایی تعداد زیادی واژه را در شبکه ای مرتبط به هم نمایش می دهد، مترجم را در فضایی قرار می دهد تا بتواند با لحاظ نمودن ابعاد ذهنی، فرهنگی، شناختی و زبانی و همزمان ملاحظات در زمانی ترجمه و تفسیر دقیق تری از واژگان و مفاهیم قرآنی در زبان‌های مختلف ارائه دهد. هم چنین الگوهای رابطه ای پایگاه اطلاعاتی بسیار سودمندی در شیوه های دسترسی به واژگان از طریق کشف الایات مبتنی بر روابط معنایی، جستجوی قرآنی صفحات وب و برنامه ترجمه و تفسیر خودکار هستند.

کلید واژه‌ها: شبکه معنایی، روابط معنایی، ترجمه پذیری قرآن، معادل یابی واژگان پر کاربرد قرآنی.

* تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۳/۲۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰.

۱. نویسنده مسئول.

۱- مقدمه

در طول تاریخ تلاش پیگیر بشر برای رشد و پیشرفت و هر چه بهتر ساختن شرایط زندگی سبب گردیده است تا سخنگویان یک زبان سعی نمایند تا حد ممکن اطلاعات جوامع زبانی دیگر را به زبان خود منتقل سازند.

تاریخ ترجمه مکتوب قرآن به زبان‌های فارسی از ترجمه تفسیر طبری از قرن چهارم هجری شروع می‌شود. البته قبل از این تاریخ نیز یک عالم عرب در سال ۲۷۰ هجری قرآن را به زبان هندی ترجمه کرده است. در سال ۱۵۱۵ ترجمه ای ناقص از قرآن مجید به زبان انگلیسی چاپ گردید و نخستین ترجمه فارسی سال ۱۸۳۷ میلادی در کلکته منتشر گردید. هم چنین قرآن کریم به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، روسی، هندی، ژاپنی، مالزیایی، اندونزیایی، چینی، ترکی، فارسی و در نهایت به زبان‌های آفریقایی و آمریکایی ترجمه و چاپ شده است.

۲- نظریه شبکه‌های معنایی الگویی مناسب در ترجمه

اولین بار می‌توان مفاهیم و روابط موجود در این نظریه را در کارهایی که برای تعیین انواع مفهوم‌ها و الگوهای رابطه ای در ماشین ترجمه به کار رفت، جستجو کرد. سیلیویوسکاتو^۱ در سال ۱۹۶۱، شبکه روابط متقابل را تعریف نمود که بر ۵۶ رابطه جداگانه بنا نهاده شده بود. این روابط شامل زیرمجموعه ای، موردی، جزء به کل، روابط حالت، خویشاوندی و انواع گوناگون صفت‌ها بود (سوا، ۳). سپس در سال ۱۹۶۶ کویلیان^۲ در پایان نامه دکتری تلاش کرد نوعی ساختار معنایی برای واژگان زبان انگلیسی ارائه دهد که بتوان آن را به رایانه داد و سپس این ساختار معنایی را به ذهن انسان و فرآیند ذخیره سازی مفاهیم در حافظه نیز نسبت داد (همان، ۴). سادگی توصیف و توانایی توصیف این ساختار در نمایش بسیاری از معانی یا واژگان در شبکه ای از روابط می‌باشد که با استفاده از همین روابط سلسله مراتبی می‌توان هزاران واژه یک

1-Silvio Cecato

2-Quilian

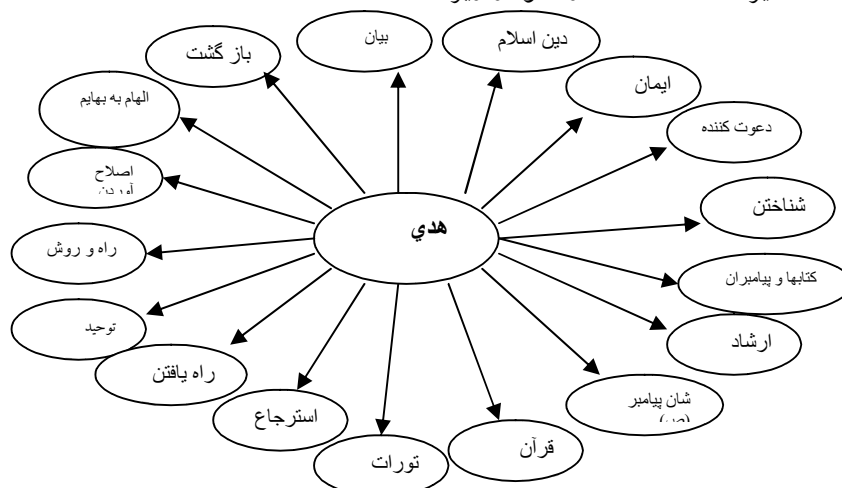
زبان را در شبکه ای به هم مرتبط نمایش داد و حتی از این شیوه در بسیاری از برنامه های رایانه ای نیز استفاده می شود. به نظر می رسد همه معانی به نوعی با یکدیگر مرتبط هستند و هیچ معنی و مفهومی در خلاء شکل نمی گیرد و ممکن است دلیل آن، ارتباط معانی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با پدیده های جهان هستی باشد.

در نظریه شبکه معنایی فاصله معنایی میان دو مفهوم با جایگاه آن‌ها در ذهن ارتباط مستقیم دارد، این بدان معنی است که هر چه دو مفهوم در روابط سلسله مراتبی، از یکدیگر فاصله بیشتری داشته باشند، در ذهن نیز به همان نسبت دورتر از یکدیگر قرار دارند. فرضیه اولیه کویلیان این بود که معنای یک واژه را می توان با استفاده از ساختاری صوری نمایش داد و بر مبنای آن می توان دانش ذهنی هر شخص را به صورت یک نقشه با نقطه ها و گره هایی مشخص نمود که هر یک بیانگر مفهوم خاصی اند و با خطوطی به مفاهیم یا گره های دیگر مرتبط هستند. دو سال بعد از رساله کویلیان، آلن کالینز مجموع آزمایش هایی برای تعیین واقعیت روانی شبکه های معنایی به عنوان مدلی برای ذخیره واژگانی انجام داد. وی به همراه کویلیان این شبکه ها را به صورت یک درخت هم شمولی یا سلسله مراتبی نشان داد که هر گره با گره بالاتر و گره پایین تر از خود رابطه دارد. مثلاً قناری در مرتبه بالاتر، با نوع پرنده و در مرتبه پایین تر از آن با حیوان رابطه دارد. هم چنین در مرتبه پایین تر با جوجه قناری رابطه دارد (هادلی، ۴۵).

۲-۱ روابط واژگانی

روابط واژگانی آن روابطی هستند که در سطح واژه مطرح است و در اینجا صرفاً به آن نوع روابط واژگانی اشاره می شود که در مورد آن‌ها اتفاق نظر بیشتری وجود دارد و هم چنین از بسامد بیشتری برخوردار هستند. اغلب معنی شناسان با استفاده از اصطلاح مفهوم به جای معنا، سعی می کنند انتزاع بیشتری به روابط واژگانی بدهند و از این رو از آن‌ها به روابط مفهومی^۱ یاد می کنند. از طرف دیگر در زبان تنها با واژه های مختلف که

معانی گوناگون دارند سر و کار نداریم بلکه به بعضی واژه‌ها بر می‌خوریم که به خودی خود چند معنی دارند. این مسئله را «چند معنایی» و چنین کلماتی را واژه‌های «چند معنی»^۱ می‌نامیم (پالمر، ۱۱۵)، در یک عبارت ساده می‌توان گفت چند معنایی یعنی این که یک واژه بر معانی متعددی دلالت نماید. این عبارت ساده در درون خود ابهام‌ها و جزئیاتی دارد که اشکالات متفاوتی به وجود آورده است و زبان‌شناسان تلاش می‌کنند تا از همه شکل‌های چند معنایی اطلاع کامل یابند و از این طریق به راه‌های مشخصی جهت تحلیل معنا یا معانی مشخصی دست یابند که استنباط و درک آن‌ها بعد از بررسی شیوه‌های تحلیل زبان شناختی ممکن است. واژه قرآنی انسان ویژگی چند معنایی دارد، البته باید بین چند معنایی و همنامی^۲ یا تشابه تمایز گذارد. هر جا که اصل کلمه با دو یا چند معنای متفاوت یافت شود همنامی یا تشابه به حساب می‌آید و هر گاه اصل واحد باشد، چند معنایی است، مانند واژه لبس که در قرآن به چهار صورت تفسیر شده است: «در آمیختن»، «آرامش»، «جامه» و «عمل صالح». همچنین کلمه هدی به ۱۷ صورت تفسیر شده است که در نمودار زیر آمده است.



نمودار ۱: معانی مختلف واژه هدی

2-polysemy

3-homonymy

زبان‌شناسان پیشین عرب متوجه پدیده چند معنایی شده بودند و از آن در لابه‌لای دیدگاه کلی و توصیفی در آن واحد نسبت به واژگان زبان سخن گفته‌اند، آنجا که واژگانی را چنین تقسیم کرده بودند: لفظی که بر یک معنا دلالت دارد و لفظی که بر بیش از یک معنا دلالت دارد دو لفظ که بر یک معنا دلالت دارند. چند معنایی، چنان که در نوع دوم پیداست مطرح می‌شود و آن را مشترک لفظی نامیده‌اند و آن را در شاخه‌های مختلف علوم عربی و اسلامی بررسی کرده‌اند (عوا، ۶۰).

۱-۱-۲- وجوه و نظایر

در تقسیم‌بندی معنا در دانش معناشناسی، با انواع هم معنایی، چند معنایی، تناقض معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی مواجه هستیم. «وجوه و نظایر» در قرآن کریم را می‌توان از مقوله چند معنایی به شمار آورد. در تعریف «چند معنایی» آورده‌اند «ما در زبان تنها با واژه‌های مختلف که دارای معانی گوناگون هستند، سر و کار نداریم بلکه به برخی از واژه‌ها بر می‌خوریم که به تنهایی از چند معنا برخوردارند. این مسئله را چند معنایی و چنین کلماتی را چند معنا می‌نامیم» (پالمر، ۱۱۵).

واژگان وجوه قرآنی - واژگان مشکل - به تدریج به متون زبانی راه یافت که این واژگان به طور یکسان با بار معنایی‌شان در بافت قرآن و کاربرد عرب نخستین عرضه شده‌اند (همان، ۱۴-۱۳).

۱-۲-۲- رابطه هم معنایی^۱

در هر زبانی قاعده کلی این است که هر واژه برای یک معنی باشد، به عبارت دیگر، در ازای یک معنا باید فقط یک معنا وجود داشته باشد. اما گاهی شرایطی در زبان به وجود می‌آید که به دلالت واژه‌های متعدد منجر می‌شود. سیبویه در این باره می‌نویسد: «عرب‌ها، گاه الفاظ مختلف را برای معانی مختلف و گاهی چند لفظ مختلف را برای یک معنی و زمانی دیگر هم، یک لفظ را برای معانی مختلف بکار می‌برند».

میلر به نقل از لاپینتیز می‌نویسد، دو واژه در صورتی هم معنا هستند که جایگزینی یکی به جای دیگری هیچ‌گاه ارزش صدق جمله را تغییر ندهد. بر اساس این تعریف شاید نتوان هیچ‌دو واژه‌ای را هم معنا در نظر گرفت. اما با محدود کردن این تعریف به بافت می‌توان نمونه‌هایی را هم معنا دانست. یعنی گفت واژه «الف» یا واژه «ب» در بافت «ج» هم معنا است اگر و تنها اگر جایگزین کردن آن‌ها ارزش صدق جمله را تغییر ندهد. در این رویکرد، دو واژه یا هم معنا هستند و یا نیستند. عده‌ای معتقدند که بهتر است هم معنایی را بر اساس، شباهت معنایی تعریف کرد چرا که واژه‌ها به درجات مختلف با هم شباهت دارند (میلر و دیگران، ۶-۷).

۳-۱-۲- رابطه تضاد (تقابل)^۱

تضاد نوعی رابطه میان معانی است که شاید از هر نوع رابطه دیگر به ذهن نزدیک‌تر باشد، زیرا به مجرد ذکر یک معنی، معنی متضاد آن نیز به ذهن می‌آید. لاینز به نقل از تریر بیان می‌دارد که هر واژه‌ای که بر زبان می‌آید، متضاد خود را نیز به همراه دارد. به بیان دیگر هر واژه‌ای حتماً متضاد دارد (لاینز، ۲۷). هر چند واژه‌های متضاد از لحاظ معنایی با هم متقابل هستند، اما مشکل آن جاست که بسیاری واژه‌ها در تقابل با هم هستند اما متضاد نیستند. از این روست که معمولاً تضاد را رابطه‌ای میان واژه‌ها و نه میان مفاهیم می‌دانند (کوروس، ۱۹۷).

۳-۱-۳-۱- تقابل‌های بی‌درجه و بی‌درجه^۲

در تقابل‌های بی‌درجه مانند «حیة» و «مماة» نفی یکی، اثبات دیگری است ولی در تقابل‌های بی‌درجه گفته می‌شود که نفی یکی لزوماً متضمن دیگری نیست مانند: الطیب و الخبیث.

از طرفی در بعضی موارد تقابل‌های بی‌درجه می‌توانند به صورت درجه‌ای به کار

1- incompatibility

1-Gradable and upgradeable opposition.

روند؛ مثل «مؤمن و کافر / صالح و فاسق». لاینز معتقد است که در این موارد ما به درجه‌بندی معنای ضمنی واژه‌ها دست می‌زنیم (لاینز، ۲۷۸).

۴-۱-۲- پدیده‌های مترادف، اشتراک لفظی و تضاد در زبان عربی

حقیقت این است که هیچ زبانی به اندازه‌ی زبان عربی، در زمینه‌ی تعداد واژه‌های هم معنا از یک سو و واژه‌های چند معنا از سوی دیگر - به گونه‌ای که گاه این درجه اختلاف معنایی به حدّ تضاد نیز می‌رسد - پربار و غنی نیست.

ترادف

مترادفات، کلمات هم‌معنایی را گویند که در هر سیاق و عبارتی قابل تبادل و جایگزینی با هم باشند. ترادف تام هرچند وجود آن در میان زبان‌ها محال نیست اما بسیار به ندرت تحقق پیدا می‌کنند. در میان لغت‌شناسان عرب، درباره وقوع پدیده ترادف تام در زبان عربی، اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. از همان زمان که نخستین گروه از این لغت‌شناسان، در قرن دوم و سوم هجری، مستقیماً به جمع‌آوری زبان عربی از مضحای عرب شروع کردند و از همان زمان که به استخراج و جمع‌آوری الفاظ قرآن کریم، احادیث شریف، شعر، خطب و نامه‌ها دست زدند و درباره معنای آن‌ها بحث و بررسی کردند و این کار تا پایان دوره اموی به طول انجامید - دانشمندان دسته‌بندی و تقسیم این مواد زبانی را به صورت گوناگونی، آغاز کردند. برخی از دانشمندان، در جمع‌آوری این قبیل کلمات، راه مبالغه و افراط را پیموده واژه‌های بسیاری را نیز، که با مترادف حقیقی کمترین ارتباطی نداشتند، به عنوان مترادفات گرد آوردند (همان، ۵۱-۳۵۰).

اشتراک لفظی

دانشمندان اصول نحو در تعریف لفظ مشترک گفته‌اند: «لفظ مشترک، لفظی است که در نظر اهل زبان بر دو معنای مختلف یا بیشتر، به طور یکسان و برابر دلالت کند». واقعیت این است که اشتراک لفظی جز در فرهنگ لغات وجود خارجی ندارد، زیرا الفاظ مشترک، به هنگام کاربرد و متون زبانی، از میان معنای مختلفی که دارد، جز به

یک معنا به کار نمی‌رود. مثلاً واژه «ادراک» را اگر جدای از یک جمله و یا سیاق معینی در نظر بگیریم، معمایش پیچیده و نامشخص خواهد بود. آیا معنایش «رسیدن به چیزی» است و یا «معاصر بودن» و یا «بریدن» و یا «بالغ شدن»؟ کدامیک؟ ترکیب و جایگاه حقیقی فعل مذکور در یک جمله تنها چیزی است که امکان پاسخگویی به سؤال فوق را می‌دهد. بنابراین هرگاه آواهای دو یا چند کلمه، بر حسب تصادف، با یکدیگر همانندی تمام پیدا کنند، این گونه واژه‌ها جز در یک سیاق (بافت) معین، معنایی نخواهند داشت (همان، ۳۷۷-۳۷۶).

تضاد

نوعی رابطه میانی معانی است که شاید از هر نوع رابطه دیگر به ذهن نزدیک‌تر باشد. زیرا به مجرد ذکر یک معنا، معنای ضد آن نیز به ذهن می‌آید. این نوع رابطه مخصوصاً در میان رنگ‌ها بیشتر نمایان است: مثلاً به هنگام ذکر واژه‌ی سفید، بی‌درنگ، مفهوم سیاهی در ذهن حضور می‌یابد. بنابراین رابطه‌ی ضدیت از روشن‌ترین موارد تداعی معانی است، حال اگر دلالت یک لفظ بر دو معنا که در میانشان اندک رابطه‌ای است، روا باشد به طور مسلم دلالت آن بر دو معنای متضاد رواتر و معقول‌تر است. زیرا حضور یکی از آن دو معنای متضاد، معمولاً حضور دیگری را هم به دنبال دارد. بنابراین تضاد شاخه‌ای از مشترک لفظی است (همان، ۳۷۹).

۵-۱-۲- رابطه شمول^۱

لاینز شمول را رابطه‌ی ای‌جانشینی می‌داند که در آن واژه‌های زیر شمول مفهوم واژه‌های شامل بعلاوه یک یا چند وابسته است. شمول را می‌توان در چهارچوب تجزیه مؤلفه‌ای به صورت فرمولی چنین توصیف کرد: واژه‌های شامل Q خواهد بود اگر تمام مشخصه‌های Q در مشخصه‌های P وجود داشته باشد (کمپسون، ۸۶). از آنجا که رابطه شمول یک رابطه‌ی جانشینی است، تنها واژه‌هایی که به یک مقوله دستوری

متعلق هستند می‌توانند در این رابطه شرکت کنند و واژه‌هایی که مقوله دستوری متفاوت داشته باشند را شبه شمول^۱ می‌نامیم (لاینز، ۲۹۹ - ۲۹۸).

یک واژه ممکن است در سلسله مراتب واژه‌های شامل و زیر شمول چندین جایگاه را اشغال نماید. این مسئله البته در شرایطی ممکن است که واژه مذکور از چند معنی متفاوت برخوردار باشد، بدین ترتیب ممکن است این واژه در کلی از معانی خود جایگاه واژه شامل را اشغال نماید و معنی دیگر در شمول معنی اولی باشد (پالمر، ۱۳۳). واژه‌های قرآن رطب، رمان، عنب و تین زیر شمول واژه شامل فاکهه هستند.

۶-۱-۲- رابطه جزء کل (جزء واژگی)

این رابطه به ارتباط اجزاء یک پدیده نسبت به کل آن اشاره دارد واژه‌های انتزاعی نیز می‌توانند به اجزاء کوچک‌تر تقسیم شوند (کوروس، ۱۷۲) مانند واژه قرآنی «حبل» که یک واژه انتزاعی است و به اجزاء کوچک‌تر «حبل الوریذ» و «حبل من مسد» تقسیم شده است. رابطه‌ای جزء کل مانند شمول معنایی نوعی رابطه سلسله مراتبی می‌باشد که میان اجزا و کل تشکیل دهنده آن اجزاء برقرار می‌گردد.

۷-۱-۲- رابطه هم‌آبی^۲

روابط معنایی ممکن است از نوع هم‌نشینی نیز باشند؛ یعنی رابطه میان یک واژه و واژه‌های دیگر در یک جمله معمولاً در این موارد از اصطلاح‌هایی استفاده می‌شود و به صورت توانایی یک واژه در پیش بینی احتمال وقوع واژه دیگر تعریف می‌شود. شایان ذکر است که روابط جانشینی و هم‌نشینی از یکدیگر تأثیر پذیرند، به ویژه رابطه هم‌نشینی تحت تأثیر رابطه نزدیک است. برای نمونه رابطه نزدیک السماوات والارض در محور هم‌نشینی متأثر از رابطه نزدیک این دو در محور جانشینی است. برای نمونه هر دو مکان هستند و الی آخر (جکسون و آمولا، ۹۲).

1. Quasi-hyponymy

2. Collocation

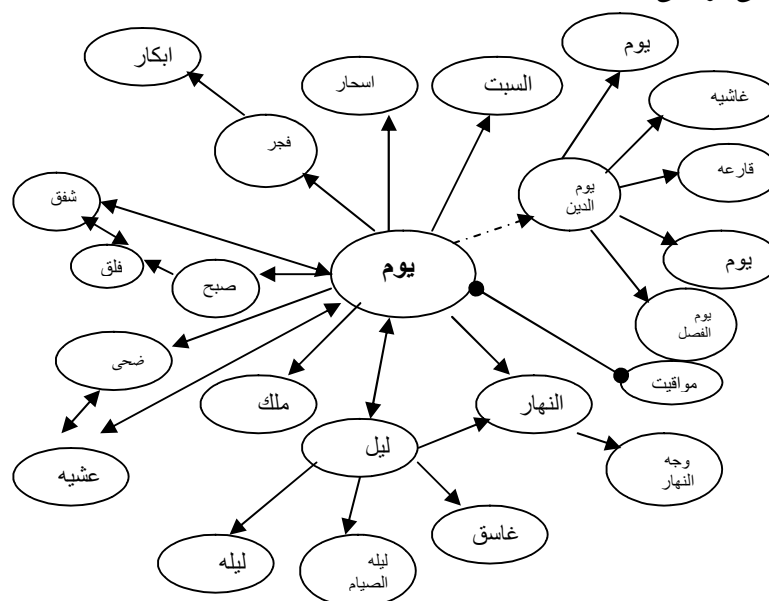
۳- معادل یابی واژگانی قرآن کریم با تکیه بر روابط معنایی در نظریه شبکه

معنایی

روابط معنایی در زبان نقش انکارناپذیری ایفا می‌نمایند، بعضی از محققین معتقدند روابط معنایی باید الزاماً در بافت مطالعه شود. در زیر تعدادی از واژه های قرآنی پر بسامد و معادل‌های فارسی و انگلیسی ارائه شده در شبکه ای از روابط معنایی ارائه گردیده است.

یوم

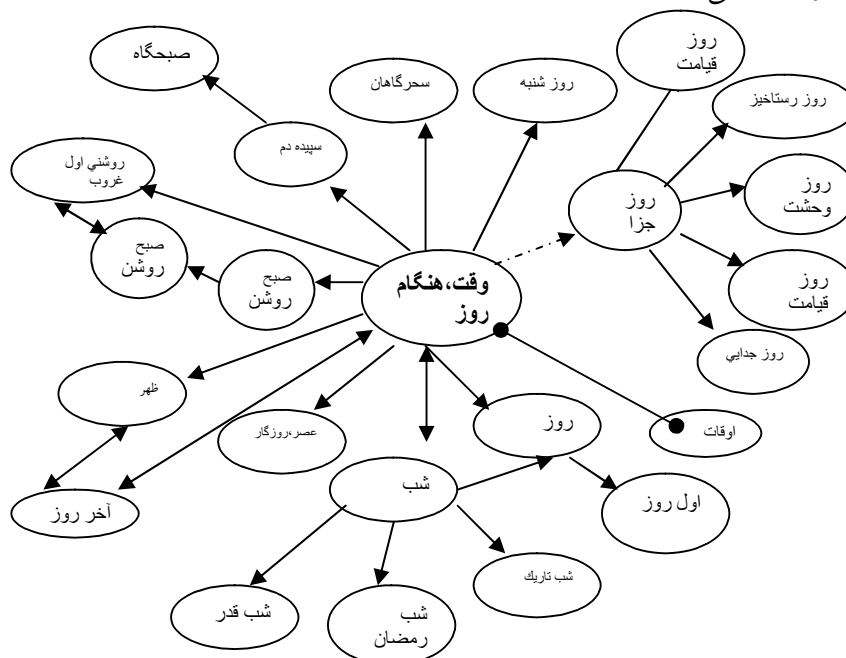
یوم کلمه ای است که در قرآن کریم ۴۷۵ بار تکرار شده است، چهار رابطه معنایی: هم معنایی، تضاد، شمول و رابطه جزء کل در سه شبکه معنایی فارسی، عربی و انگلیسی بررسی شده است.



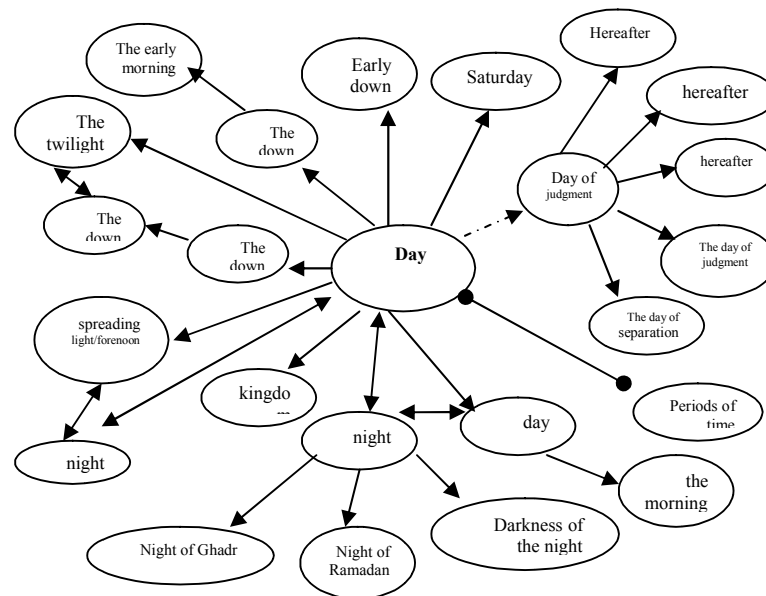
این کلمه به چهار صورت تفسیر شده است: نخست به معنای ایام شش‌گانه ای که خدا در آن مدت، دنیا را آفرید. دوم به معنای روزهای دنیا که در سوره «سجده» آمده است و سوم در سوره «یس» به معنای روز قیامت آمده است. چهارمین معنی آن

«هنگام» است که در سوره های مریم، نحل و انعام بکار رفته است (مقاتل بن سلیمان ۳۵۴ و ۳۵۵).

همان گونه که در نمودار روابط معنایی واژگان قرآنی کلمه یوم مشاهده می شود با واژه «النهار» هم معنا است و در تقابل با واژه «لیل» قرار گرفته است که البته این هم معنایی و تضاد با معنای اول تفسیر بالا مطابقت دارد و رابطه ای شامل یوم الدین که با معنی سوم در تفسیر آمده تطابق دارد. سایر روابط ذکر شده نیز رابطه ای جزء به کل و شمول را نشان می دهد.



با مشاهده معادل های فارسی ارائه شده در نمودار روابط معنایی بالا می توان گفت که مترجم در ارائه معادل های دقیق از واژگان صبح و فلق و هم چنین یوم الاخر و یوم القیامة با مشکل مواجه می شود که باید ناگزیر به توضیح و تفسیر برای ارائه معادل دقیق تر دست زند.



با مشاهده معادل‌های انگلیسی ارائه شده در نمودار فوق می‌توان گفت که همان شکل معادل‌یابی در زبان فارسی در اینجا نیز به چشم می‌خورد و معادل واژه‌های صبح و فلک، لیل و عشیه و یوم و النهار و غاشیه و یوم‌الآخر یکسان است.

واژه‌های صراط، سبیل و طریق

واژه صراط با توجه به قرائت آن با «سین» در ذیل لغت «صراط» به «سراط» ارجاع شده است که به معنای راهی هموار و آسان گذر، راه راست (دهخدا، ۲۵ / ۱۸۵)، راه روشن، وسیع و گشاده روست. برخی آن را از ریشه «سراط» به معنای بلعیدن گرفته‌اند. به گونه‌ای که راه روشن، رهرو خود را بلعیده و در مجرای گلوی خودش فرو برده است به طوری که دیگر نمی‌تواند این سو و آن سو منحرف شود و یا از آن مجرا بیرون بیاید (راغب اصفهانی، ۵ / ۲۰۹).

ولی بعضی دیگر از پژوهشگران لغات قرآنی معتقدند واژه صراط از سراط گرفته نشده است و واژه‌ای مستقل و غیر مبدل می‌باشد، زیرا «سراط» مشتقاتی دارد، حال آنکه «صراط» چنین مشتقاتی ندارد (جوادی آملی، ۱ / ۴۵۹).

واژه صراط ۴۳ بار در قرآن تکرار شده است؛ ۳۳ بار به شکل ترکیبی «صراط مستقیم» و ۱۰ بار به تنهایی یا با صفات دیگر آمده است:

«صراط» در اصطلاح به معنای پلی است گسترده بر پشت دوزخ و درباره آن احادیثی بیان شده است و در قرآن به چهار صورت آمده است.

نخست به معنای «طریق»: «و لا تقعدوا بكل صراط توعدون» (اعراف/ ۸۶) «به هر طریق در گمراه کردن مردم و ترساندن آنها منشینید»

دوم به معنای «دین»: «هدانی ربی الی صراط مستقیم دنیا» (انعام/ ۱۶۱) پروردگار من را به سوی راه راست هدایت کرده، آیینی پابرجا و در سوره «فاتحه الكتاب» «اهدنا الصراط المستقیم» ما را به دین راست راهنمایی کن.

سوم «منیع» به معنای مخلوق: «هذا صراط ربك مستقیماً» (انعام/ ۱۲۶) «مخلوق پروردگار تو راست قامت است» و چهارم «محل عبور صالحان»: «قال هذا صراط علیّ مستقیم» (حجر/ ۴۱) «گفت: این راه مستقیمی است که بر عهده‌ی من است (مبیدی، ج ۳، ۶۷۶)».

واژه‌های هم معنای صراط

در کتاب‌های لغت چندین کلمه به معنی راه آمده است که عبارتند از: سرب، مشعب، طریق، سبیل، صراط، منهاج، نهج، مرصد، مرصاد، شارع، جاده، سقم و محجه که چهار واژه مشعب، طریق، سبیل و صراط برای راه به کار می‌روند و مابقی آنها به معنای راه آشکار و پیدا و روشن استعمال می‌شود.

در قرآن کریم از میان این کلمات، واژه‌های صراط، طریق و سبیل بیشتر به کار رفته است ولی هر کدام با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که به آنها اشاره می‌شود:

در قرآن و کتب لغت عربی، صراط به صورت مفرد به کار رفته است و در اغلب موارد به معنای راه حق است به جز در سوره صافات و سوره اعراف که بر مبنای طریق است، صراط همواره به معنای راه حق و حقیقت و راهی که به خیر منتهی می‌شود، به کار رفته است (رضایی، ۲۸۶).

واژه سبیل در قرآن علاوه بر حالت مفرد به شکل جمع هم به کار رفته است: «وانهاراً و سبلاً» (نحل/۱۵) و نهرها و راه‌هایی ایجاد کرد؛ و همچنین سبیل در هر دو راه حق و باطل به طور مساوی به کار می‌رود: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت» (نساء/۷۶) مؤمنان در راه خدا می‌جنگند و کافران در راه طاغوت می‌جنگند.

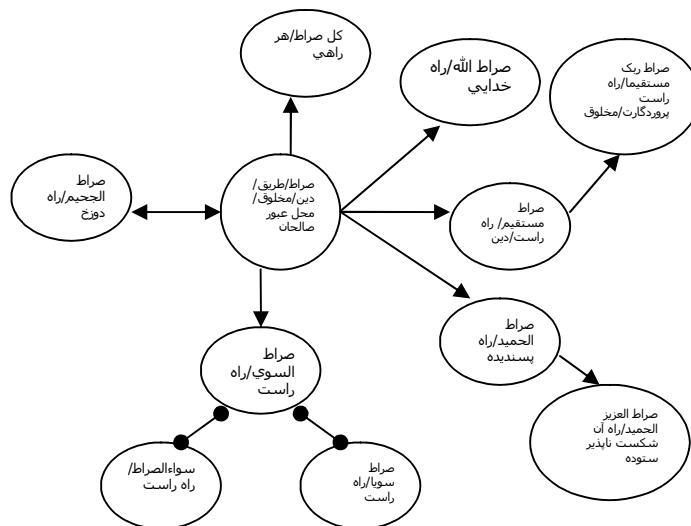
واژه طریق به صورت مفرد و جمع و باز در قرآن به کار رفته است و به معنای راه است و از آن جهت به راه، طریق می‌گویند که با پاهای عابرین کوبیده شده است. طریق در قرآن به شکل جمع و مؤنث به کار رفته است: «کنا طرائق قددا» (جن/۱۱). ما فرقه‌های گوناگونیم. «و یدها بطریقکم المتلی» (طه/۶۳) تا آئین والای شما را براندازند. همچنین طریق در قرآن برای روشی که انسان در کارهای خوب یا ناپسند در پیش می‌گیرد، استفاده شده است. ترکیب صراط مستقیم همان راه راست و در برابر کجی است؛ راهی که از هر آسیبی مصون بماند. یعنی نه حلقه‌های بریده و گسسته است و نه به جای حلقه‌های اصلی آن، حلقه‌ای کاذب و بدل نشسته است، ولی راه‌های فرعی به این آسیب‌ها و یا دست کم یکی از آن‌ها مبتلاست (جوادی آملی، ۱).

همچنین این واژه به شکل غیرترکیبی یا ترکیب با سایر صفات نیز به کار رفته است: «و لاتقعدا بکل صراط توعدون و تصدون عن سبیل الله من امن و تبغونها... (اعراف/ ۸۶)؛ و بر سر هر راهی نیستند که بترسانید و کسی را که ایمان به خدا آورده از راه خدا باز دارید و...»

«الر کتاب انزلنه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم الی صراط العزیز الحمید» (ابراهیم/۱). الف، لام، را، کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی به سوی روشنایی بیرون آوری، به سوی راه آن شکست‌ناپذیری ستوده.

«یا ایت انی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتبعنی اهدک صراطاً سویاً» (مریم/۴۳) ای پدر، به راستی مرا از دانش [وحی، حقایقی به دست] آمده که تو را نیامده است. پس، از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم.

و ترکیبات «الصراط السوی» (طه / ۱۳۵)، «صراط الحمید»، (حج / ۲۴)، «صراط العزیز الحمید» (سبا/۶)، «صراط الحمیم» (صافات / ۲۳)، «سواء الصراط» (ص ۲۲) و «صراط الله» (شوری/۵۳) که می‌توان در الگوی رابطه‌ای زیر نمایش داد.



نمودار ۳: مدل رابطه‌ای واژه قرآنی صراط و معادل فارسی

با مشاهده معادل‌های فارسی ارائه شده در نمودار روابط معنایی بالا می‌توان گفت که مترجم در ارائه معادل‌های دقیق از واژگان باید در مواردی با توجه به بافت به گزینش واژگان دست زند، همچنین واژه صراط چه در فارسی و چه اصل واژه قرآنی در ترکیب می‌تواند هر مسیری را شامل شود.

واژه سبیل که هم معنی صراط است با مشتقات آن ۱۷۶ مرتبه در قرآن تکرار شده است و معانی مختلفی را به خود اختصاص داده است که می‌توان آن‌ها را در چند گروه قرار داد:

- ۱- گذرگاه «وانهاراً و سبلاً» (نحل/۱۵) و نهرها و راه‌هایی ایجاد کرد.
- ۲- سلطه «لن يجعل الله للكافرين علي المؤمنين سبيلاً» (نساء/۱۴۱) «خداوند هرگز کافران را به مؤمنان سلطه نمی‌دهد».
- ۳- مسئولیت: «قالوا ليس علينا في الاميين سبيل» (آل عمران/ ۷۵) «گفتند ما در برابر امیین (غیریهود) مسئول نیستیم...»
همچنین در ترکیبات مختلف از این واژه استفاده شده است.
- ۱- راه نادرست: «انه كان فاحشة و مقتا و ساء سبيلاً» (نساء/۲۲) عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است.
- ۲- راه طاغوتیان: «والذين كفروا في سبيل الطاغوت» (نساء/۷۶) و آن‌ها که کافرند در راه طاغوت است و افراد طغیانگر می‌جنگند.
- ۳- راه گناهکاران: «و تسبتن سبيل المجرمين» (انعام/۵۵) راه گناهکاران آشکار گردد.
- ۴- راه فساد پیشگان «لا تتبع سبيل المفسدين» (اعراف/ ۱۴۲) و از روش مفسدان پیروی منما.
- ۵- راه گمراهان: «و ان يروا سبيل الغي يتخذوه سبيلاً» (اعراف/ ۱۴۶) اگر طریق گمراهی را ببیند، آن راه را خود انتخاب می‌کنند.
- ۶- راه نادانان: «و لا تتبعان سبيل الذين لا يعملون» (یونس/ ۸۹) و از راه و رسم کسانی که نمی‌دانند، تبعیت نکنید.
- ۷- راه‌های مستقیم «من يتبدل الكفر بالايمن فقد ضل سواء السبيل» (بقره/ ۱۰۸) کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد از راه مستقیم گمراه شده است.
- ۸- راه خدا: «الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله» (بقره/ ۲۶۲) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند.

۹- راه رشد: «و ما اهدیکم الا سبیل الرشاد» (غافر/۲۹) و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی‌کنیم.

۱۰- راه توبه کنندگان: «واتبع سبیل من اناب الی» (لقمان/ ۱۵) و از راه کسانی پیروی کن که توبه کنان به سوی من آمده‌اند.

۱۱- راه مؤمنان «و من یشاقق الرسول من بعدما تبین له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی» (نساء/۱۱۵)

۱۲- راه‌های سلامت «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام» (مائده/۱۶)، خداوند به برکت قرآن کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند.

۱۳- راه الهی:

۱۳-۱ راه من: «قل هذه سبیلی» (یوسف/ ۱۰۸) بگو این راه من است.

۱۳-۲ راه ما: «قد هدانا سبیلنا» (ابراهیم/ ۱۲) ما را به راه‌های سعادت رهبری کرده است.

۱۳-۳ راه او: «جاهدوا فی سبیله» (مائده/ ۳۵)، در راه او جهاد می‌کنند.

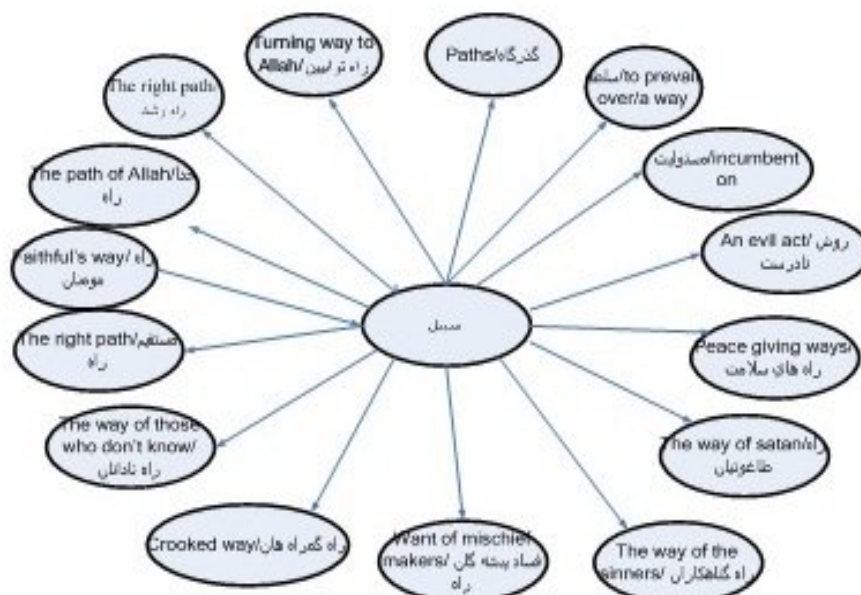
۱۳-۴ راه پروردگارت: «فاسلکي سبیل ربك ذللا» (نحل/ ۶۹) راه‌هایی که پروردگارت برایت تعیین کرده است به راحتی پیما.

۱۴- ابن السبیل، واژه ترکیبی است که بارها در قرآن به کار رفته است و به معنای در راه مانده است. «قل ما انفقتم من خیر فللوالدین و الاقربین والیتامی و المساکین و ابن السبیل» (بقره/ ۲۱۵).

بگو هر مالی که می‌بخشید بهتر است به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان ببخشید.

واژه سبیل و معانی و ترکیبات مختلف آن را می‌توان در الگو رابطه‌ای زیر نمایش

داد:



نمودار ۴: الگوی رابطه‌ای معانی مختلف واژه قرآنی سبیل و معادل فارسی

با مشاهده معادل‌های فارسی و انگلیسی ارائه شده در نمودار روابط معنایی بالا می‌توان گفت که معادل واژه‌های «سواء السبیل» و «سبیل الرشاد» یکسان است، همچنین مترجم باید برای معادل‌های واژگانی انگلیسی از عبارات استفاده نماید. دو واژه *path, way* به عنوان معادل صراط به کار رفته که *way* بیشتر به کار برده شده است.

از مقایسه روابط معنایی ارائه شده در فرهنگ لانگمن برای دو واژه *way, path* در می‌یابیم، روابط معنایی و تعداد واژه‌های هم معنای *way* بسیار بیشتر است و مترجمینی که از این معادل استفاده نموده‌اند، هم واژه‌های مختلف هم معنای صراط را پوشش داده‌اند و هم به درک عمیق‌تر اصل واژه کمک نموده‌اند.

امام

کلمه «امام» و جمع آن «ائمّه» مجموعاً دوازده بار در قرآن به کار رفته که هفت بار آن

به صورت مفرد آمده و پنج بار به شکل جمع؛ به هر جهت این واژه در قرآن در معانی زیر به کار رفته است:

۱- لوح محفوظ A preserved table (۱ بار)؛ «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس / ۱۲). «و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمردیم».

۲- جاده و راه a road (۱ بار)؛ «و إِنْهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ» (حجر / ۷۹) «و آن دو (شهر، اکنون) بر سر راهی آشکار است».

۳- تورات یا کتاب و پیشوا The book of Moses (۲ بار)؛ «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً» (احقاف / ۱۲، هود / ۱۷). «پیش از وی (نیز) کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است».

۴- پیشوایان الهی و صالح Imams/leaders of mankind (۵ بار)؛ «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره / ۱۲۴). «فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم». «وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء / ۷۳، فرقان / ۷۴، قصص / ۵۰، سجده / ۲۴). «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند».

۵- پیشوایان کفر و ضلالت ring leaders of unbelief (۲ بار)؛ «فَقَاتِلُوا أئِمَّةَ الْكُفْرِ» (توبه / ۱۲ و قصص / ۴۱) «پس با پیشوایان کفر بجنگید».

۶- مفهوم جامعی که پیشوایان هدایت و ضلالت را هر دو شامل می‌شود Imams/leaders (۱ مورد)؛ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (اسراء / ۷۱). یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایان فرا می‌خوانیم.

خصوصیات و ویژگی‌های امام و مقام امامت

از بررسی آیات به دست می‌آید که هر کس دارای این منصب الهی است، باید لااقل صفات و ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱- مقام عصمت: به دلیل آیه ۱۲۴ سوره بقره «لا ینال عهدی الظالمین»؛ یعنی، از هر گونه ظلم (ظلم به خدا، خویشتن و دیگران) دور باشد.

۲- مقام صبر: زمانی امام، این مقام را دارا خواهد بود که دارای مقام صبر (آن هم صبر مطلق که شامل انواع امتحانات و آزمایش‌ها می‌شود) باشد؛ «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده / ۲۴) «و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند».

۳- مقام یقین: امام، پیش از مقام صبر باید دارای مقام یقین باشد؛ «و کانوا بآياتنا یوقنون» که به دنبال آیه قبل آمده.

یا درباره حضرت ابراهیم - پیش از رسیدن به مقام امامت - می‌خوانیم «وَ كَذَلِكَ نُرِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ» (انعام / ۷۵) و این گونه ملکوت آسمان‌ها را به ابراهیم نمایاندم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد. از این آیات در می‌یابیم که باطن و حقیقت جهان برای امام مکشوف است و از اعمال و دل‌های مردم باخبر است.

۴- منصب الهی *leaders of faith* (تعیین از جانب خدا)؛ به دلیل آیتی چون: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره / ۱۲۴)، و «جعلناهم ائمه» (انبیاء / ۷۳)، «و نجعلهم ائمه» (قصص / ۵).

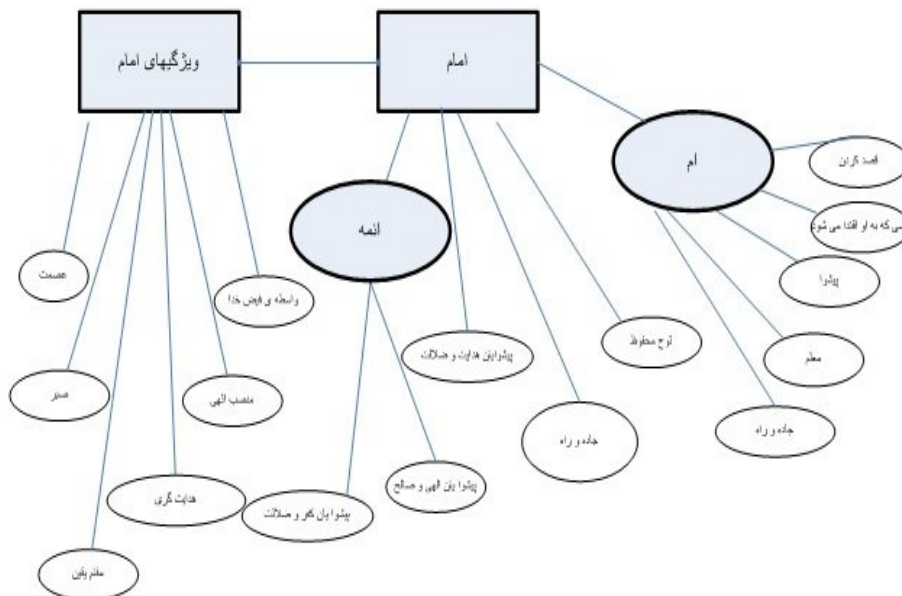
۵- هدایت‌گری: امام بر حق کارش هدایت و رهبری جامعه به سوی اهداف و آرمان‌های الهی و سعادت است که از «عالم امر» فرمان می‌گیرد. «وَجَعَلْنَا لَهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء / ۷۳) «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (سجده / ۲۴).

عالم امر، همان عالم ملکوت است که خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» - فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس / ۸۲ و ۸۳) «چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید: باش پس (بی‌درنگ) موجود می‌شود، پس پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست و به سوی اوست که بازگردانیده می‌شود».

طبق این آیات، امام کسی است که جنبه ملکوتی موجودات را رهبری کند و جوامع بشری را نیز به مقصد نهایی خویش، یعنی آشنایی با خدا و احیای ارزش‌های الهی برساند و سعادت آن‌ها را تضمین کند.

۶- واسطه فیض خداوند: امام بر حق واسطه فیض الهی در اموری چون: انجام دادن نیکی‌ها، برپاداشتن نماز، پرداخت زکات و عبادت است؛ «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكُنُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء/ ۷۳). «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند».

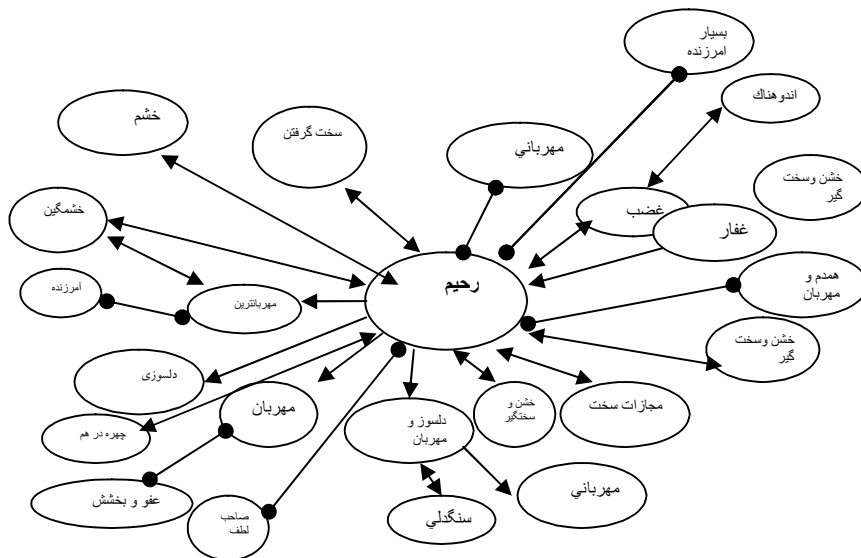
در زیر نمودار رابطه‌ای واژه امام و واژه‌های مرتبط آمده است؛ همچنین از معادل‌های انگلیسی ارائه شده در می‌یابیم واژه leader هر دو طیف دنباله رو را در بر می‌گیرد ولی واژه ring leader خاص ائمه کفر است و توجه به بافت و روابط واژگانی در برابریابی مهم است.



نمودار ۵: مدل رابطه‌ای معانی مختلف واژه قرآنی امام

رحیم

واژه رحیم ۱۱۴ بار به تعداد ۱۱۴ سوره قرآن تکرار شده است. رحیم به معنای مهربان است و یکی از صفات نیکوی الهی است. هم چنین بیانگر رحمت جاودان و نعمت دائمی خداوند است که ویژه بندگان مؤمن است. سه رابطه هم معنایی جزء، کل و تضاد در نمودارهای زیر نمایش داده شده است همان گونه که در نمودار روابط معنایی واژگان قرآنی کلمه رحیم مشاهده می شود با واژه های حنانا، لفت، رئوف، رفیق، لطیف و غفار هم معنا است و در تقابل با واژه های غضب، اغلظ، شدید العقاب قرار گرفته است که هر کدام از واژه های هم معنا یا متضاد با واژه های دیگری روابط هم معنایی یا تضاد ایجاد کرده اند.



با مشاهده نمودار روابط معنایی واژه رحیم در بالا می‌توان دریافت که در زبان فارسی معادل‌های یکسانی برای واژه‌های حنانا و رحما، سخط و غضب آمده است و واژه‌های اغلط، غلاظ و غلیظ، رحیم، ارحم، رحما و الرحمه، غفار، مغفره، استغفر و غفور ریشه یکسان و معادل‌های یکسان دارند.

دنیا

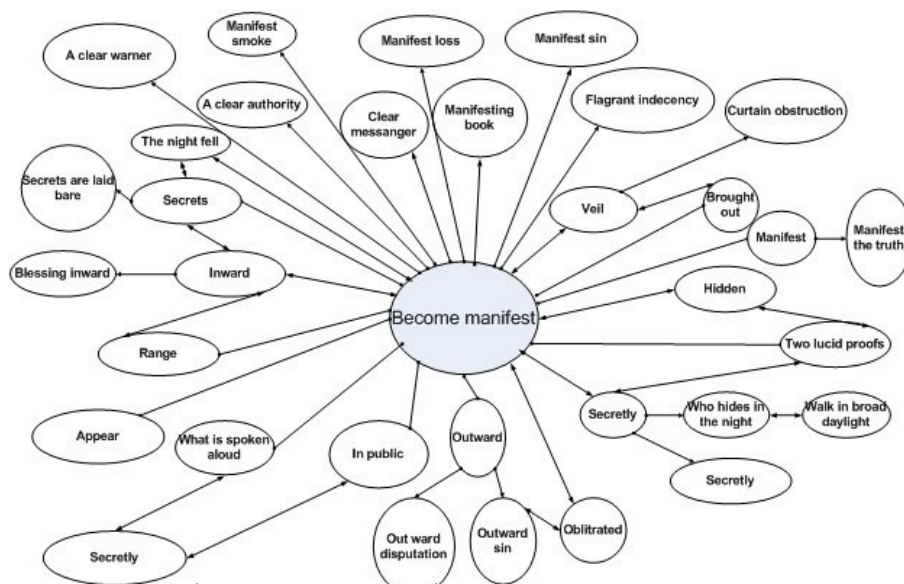
واژه دنیا ۱۱۵ بار در قرآن آمده است و به همان تعداد واژه آخرت که متضاد آن است ذکر شده است. دنیا از نظر معنایی در ترکیب الحیوه الدنیا به مفهوم دنیا ولی در ترکیب العده الدنیا به مفهوم نزدیک‌تر است و لذا زندگی دنیا را از این جهت که از زندگی آخرت به ما نزدیک‌تر است دنیا می‌گویند.

ایزوتسو^۱ در تفسیر کلمه دنیا می‌گوید: «این جهان بدان صورت که آدمی آن را می‌آزماید و در آن زندگی می‌کند به عنوان یک کل به نام «الدنیا» یعنی جهان بیشتر یا نزدیک‌تر خوانده می‌شود. کلمه الدنیا در ادبیات پیش از اسلام فراوان آمده است؛ و همین واقعیت ظاهراً اشاره است به اینکه تصور وابسته دو طرف آن یعنی آخرت نیز برای اعراب جاهلی شناخته بود» (ایزوتسو، ۱۰۶).

«دهر» که از واژه‌های هم معنی الدنیا می‌باشد، نام‌های گوناگون دیگر نیز دارد: زمان، عصر، دوره، ایام روزهای روزگار «عوض»، «زمان» ولی اندیشه مندرج در آن همیشه یکی است.



نمودار ۶: روابط معنایی واژه قرآنی دنیا و معادل فارسی و انگلیسی آن



نمودار ۸: روابط معنایی واژه قرآنی تبیین و معادل انگلیسی آن

معادل‌های انگلیسی ارائه شده نیز همانند فارسی در واژه‌های متضاد خفیه و سرا و برای واژه‌های هم معنی علانیه، جهرا و بدا یکسان است.

با بررسی ترجمه‌های انگلیسی که طاهره صفارزاده ارائه کرده است و ترجمه منظوم فضل الله نیک آیین و مترجمین خارجی در یک جمع بندی کلی از معادل‌های واژگان قرآنی ارائه شده نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- در شبکه‌های معنایی واژگان بعضی مترجمین از اصل واژه قرآنی « Eden, Jinn, Jannah, Allah » استفاده نموده‌اند که می‌توان گفت جایگاه تھی برای این واژه‌ها با توجه به واژه اصلی در نظر گرفته‌اند.

۲- دو معادل way, path هر دو به جای صراط و سبیل به کار رفته‌اند، ولی با توجه به واژه‌های مرتبط ارائه شده در فرهنگ Longman Exam Coach، واژه way جامع‌تر و روابط معنایی گسترده‌تری را در بر می‌گیرد. همچنین Pickthall

و Amir Ali از ترکیب cause of Allah در ترکیب «سبیل الله» استفاده کرده‌اند که در روابط معنایی واژه way نیست ولی در روابط معنایی واژه سبیل وجود دارد که مترجمان دیگر آن را نادیده گرفته‌اند و در مورد واژه «سبیل» Yusuf Ali بدون در نظر گرفتن مفهوم دقیق که منظور راه‌های منحرف و خطا است، فقط از paths استفاده نمودند. Irwing از ترکیب my sake به جای «سبیلی» استفاده نمودند که بدون در نظر گرفتن روابط معنایی و ترجمه آزاد است.

۳- Rodwell از معادل‌های observe prayer /warning و Arberry از معادل‌های perform prayer/remembrance برای واژه های یقیمون الصلاة/ذکر استفاده نموده‌اند که با توجه به شبکه روابط معنایی معادل‌هایی که Arberry ارائه کرده به مفاهیم اصلی نزدیک‌تر است.

۴- Palmer معادل ارائه شده برای ترکیب «ضلا ضلالا» معادل ashady " shade " را ارائه کرده که در مقابل دیگر معادل‌ها با تکیه بر روابط معنایی صفت و موصوف مناسب‌تر است.

۵- معادل‌های واژگانی ground, earth, land که به جای الارض در موقعیت‌های مختلف توسط مترجمان ارائه شده است، انتخاب معادل با در نظر گرفتن متن و بافتی که واژه در آن قرار گرفته دقیق‌تر خواهد بود.

۶- بسیاری از مترجمین از ترکیب immediate/future life /world to come/the next world در فرهنگ لانگمن که به صورت globe/the World/earth/Earth/the planet/area/country/everywhere/Third world می‌توان نتیجه گرفت که اساس روابط معنایی واژه مزبور در زبان انگلیسی روابط ملموس و قراردادی است که مترجم باید از همان ترکیبات ارائه شده برای معادل یابی دقیق استفاده نماید. این مسئله درباره واژه الحیوه نیز صادق است. واژه برزخ به دلیل وجود نداشتن چنین مفهومی در زبان انگلیسی به middle state ترجمه شده است و Arberry از ترکیب any

being برای عالمین استفاده نموده است و سایر مترجمین از the worlds/inhabitants of the world استفاده نموده‌اند که در نمودار روابط معنایی world نزدیک‌ترند.

۷- برای کلمه امام بعضی از مترجمین از واژه leader و بعضی guide به کار برده‌اند که اولی در فرهنگ لانگمن بیشتر به معنی رهبری سیاسی و دوّمی رهبری هدایت‌مندان است که از ویژگی‌های امام است. از طرفی ائمه رهبری کافر و با ایمان را شامل می‌شود که مترجم باید این رابطه معنایی را در نظر بگیرد و بعضی از مترجمین از واژه ringleaders استفاده نموده‌اند که واژه مزبور معادل دقیقی برای ائمه کفر است.

۸- در فرهنگ لانگمن واژه sky در تقابل با earth و land قرار گرفته و واژه heaven در متون مذهبی به معنی آسمان‌ها و بهشت به کار رفته است، ولی در ترجمه‌های قرآنی فقط Asad از معادل sky برای سماوات استفاده نموده و بقیه مترجمین از heaven استفاده کرده‌اند.

۱۰- معادل واژه تبیین که manifestation در نظر گرفته شده است، الزاماً ظهور و آشکار شدن به معنی روشن شدن مطلب یا ابهامی را شامل نمی‌شود و در فرهنگ لانگمن واژه clear دارای روابط معنایی گسترده‌تری مانند:

clarify/expressly/unequivocal/explicit/plain/unambiguous/lay

it on the line/spell out/distinct/sharp/in focus است، که مترجم با استفاده از روابط معنایی این واژه می‌تواند به معادل‌های دقیق‌تری دست یابد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

آنچه از مطالعه و بیان نظریه شبکه معنایی و روابط معنایی موجود در آن برای بررسی مفاهیم و واژگان قرآن در این تحقیق به آن دست یافتیم به شرح زیر است:

۱- نظریه شبکه معنایی با نمایش معنای یک واژه در مجموعه‌ای از روابط معنایی در یک شبکه به درک عمیق‌تر معنای واقعی واژه کمک می‌نماید.

۲- نمایش ساختار معنایی واژگان هر زبان در شبکه‌ای از روابط معنایی به سادگی امکان‌پذیر است.

۳- مفاهیم شبکه‌های معنایی در علوم شناختی و هوش مصنوعی از جایگاه نسبتاً معتبری برخوردار است.

۴- بین فاصله معنایی دو مفهوم با جایگاه آن‌ها در ذهن، ارتباط مستقیم وجود دارد، یعنی هر چه دو مفهوم در روابط سلسله‌مراتبی، از یکدیگر فاصله بیشتری دارند، در ذهن نیز به همان نسبت دورتر از یکدیگر خواهند بود و پیوند دو مفهوم که به صورت مستقیم با یکدیگر مرتبط هستند، قوی‌تر از پیوند میان دو مفهوم است که با واسطه یک یا چند مفهوم دیگر با یکدیگر مرتبط شده‌اند.

۵- درک روابط معنایی موجود میان واژگان از طریق نمودارها و الگوریتم‌های معنایی ساده‌تر و سریع‌تر است.

۶- با استفاده از مفاهیم و روابط معنایی موجود در شبکه معنایی و تعدیل و تغییر آن‌ها و استفاده از مدل‌ها و نظریه‌های مطروحه مختلف آن به ویژه مدل کره معنایی، برداشت دقیق‌تری از معنا و مفهوم واژگان میسر می‌گردد.

۷- به‌کارگیری مفاهیم و روابط موجود در نظریه شبکه معنایی به عنوان پایه و استفاده از سایر نظریه‌های معنایی به جهت پاره‌ای از مشکلات احتمالی برای تحلیل‌های واژگانی محقق را در فضایی وسیع‌تر و کاربردی‌تر قرار می‌دهد.

از تجزیه تحلیل نمودارهای روابط معنایی و معادل‌های آن نتایج زیر بدست می‌آید:
از آنجایی که دستگاه واژگان در مقایسه با دستگاه صوتی و دستگاه دستوری زبان از انعطاف‌پذیری بسیار بیشتری برخوردار است، در ترجمه کم یا زیاد شدن عناصر واژگانی (مفاهیم) به آسانی صورت می‌پذیرد. همچنین نقش بسیار سریع در این دستگاه از یک سو ترجمه و کار مترجم را در انتخاب واژه مناسب یا تفهیم و انتقال درست معنی در مضمون متن دشوار می‌سازد و از سویی دیگر در صورت نبودن چنین انعطاف‌پذیری یا تغییر ناپذیری کار ترجمه مختل می‌شود.

همین ویژگی انعطاف پذیری از طرف دیگر موجب سهولت ترجمه و روند انتقال مفهوم از یک زبان به زبان دیگر می‌شود. مترجمان بارها در حین ترجمه به واژه‌ها و مفاهیمی به ویژه مفاهیم فرهنگی بر می‌خورند که در زبان مادری خود برای آن معادلی یافت نمی‌کنند.

با تقسیم کردن واژه‌هایی که اختلاف معنی دارند به حوزه‌های مختلف می‌توان راه حل مناسبی برای معادل‌یابی یافت. بیشتر اختلاف معانی به حوزه زبان شناختی مربوط است، بدین معنی که برخی واژه‌ها در یک زبان از لحاظ معنایی چند وجهی هستند، اما در زبان دیگر معنای واحدی یا به هر حال معنای محدودی دارند مانند واژه آخرت در قرآن که برای معانی متعدد آن یک واژه در نمودار ارائه گردید و یا واژه *hereafter* که در زبان انگلیسی هم به معنای آینده و هم به معنای زندگی پس از مرگ است.

گروه دیگری از واژه‌ها وجه تمایز معنایی آن‌ها بیشتر جنبه فرهنگی دارد که نسبت به گروه اول از کمیت بیشتری برخوردارند. در این هنگام شبکه‌ای از مفاهیم بین افراد یک جامعه شکل می‌گیرد که همچون برنامه‌ای عمل می‌کند که زندگی در یک جامعه خاص مستلزم تبعیت و پیروی از آن برنامه است.

دسته دیگر از واژه‌ها نیز وجود دارد که اختلاف معانی آن‌ها در زبان‌های مختلف نه علت زبانی و نه علت فرهنگی است، بلکه ملاحظات تاریخی و در زمانی سبب چنین اختلافاتی شده است؛ مانند تغییر معنای «حلم» که در مقابل جهل در متون قدیمی و جدید زبان عربی صورت گرفته است. مترجم برای حل مشکلاتی از این قبیل می‌تواند از مدل‌های رابطه‌ای که در شبکه معنایی وجود دارد استفاده نماید، با نمایش واژگان قرآنی بر اساس روابط معنایی بدون در نظر گرفتن محدودیت‌هایی مانند فازی بودن و نامعین بودن پاره‌ای از مفاهیم که در هیچ دسته‌ای قرار نمی‌گیرند و نیز واژه‌هایی که در شبکه چندین جایگاه را اشغال می‌کنند، می‌توان نتایج سودمندی از جمله آشکار شدن اهمیت و بسامد بسیار بالای واژه‌های هم معنا و متضاد از یک سو و واژه‌های چند معنا وهم آرا از سوی دیگر به دست آورد که در تعاریف دقیق و ترجمه آن‌ها بسیار موثر است.

از بررسی معادل‌های ارائه شده در می‌یابیم مدل‌های رابطه‌ای به عنوان پایگاهی اطلاعاتی می‌توانند به مترجم در معادل‌یابی دقیق‌تر واژگان قرآنی کمک نماید.

منابع

- ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، چاپ اول، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ه. ق.
- ابوالفتوح رازی، جمال‌الدین، *روض الجنان و روح الجنان*، تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، انتشارات کتابفروشی اسلامی، بی‌تا.
- ایزانلو، علی، «توصیف و بررسی شبکه معنایی واژگان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، منتشر نشده، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴.
- ایزوتسو، توشهیکو، *خدا و انسان در قرآن (معناشناختی جهان‌بینی قرآن)*، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، چاپخانه بهمن، تهران، ۱۳۶۱.
- ایزوتسو، توشهیکو، *مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن*، مترجم: فریدون بدره‌ای، انتشارات فرزاد، تهران، ۱۳۷۸.
- باطنی، محمدرضا، «جمله، واحد ترجمه»، *مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه در تبریز*، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹.
- البهی، محمد، *مفاهیم اخلاقی و عقیدتی قرآن*، چاپ اول، دارالهدی، بی‌جا، ۱۴۰۶ ه. ق.
- پالمر، ف. ر. ک، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کوروش صفوی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۱.
- جفری، آرتور، *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول، انتشارات توس، بی‌جا، ۱۳۷۲.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، چاپ اول، انتشارات دوستان و ناهید، تهران، ۱۳۷۷.
- خلیفه، رشاد، *اعجاز قرآن تحقیق آماری حروف مقطعه*، ترجمه سیدمحمد نقی آیت‌اللهی، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵.
- دین محمدی، محمدعلی، *تأثیر ترجمه بر دستور و واژگان زبان فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان، عدنان داوودی، چاپ پنجم، انتشارات الحوراء، تهران، ۱۳۸۱.
- رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳.
- رضایی، سعید، دین و دنیا، چاپ اول انتشارات مؤلف، ۱۳۸۲.
- روحانی آبکوهی، محمدتقی، مفاهیم بنیادی پایگاه داده‌ها، انتشارات جلوه، تهران، ۱۳۸۰.
- زمنخسری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون التأویل فی وجوه التأویل، چاپ دوم، نشر البلاغه، چاپ توس، قم، ۱۴۱۵ ه. ق.
- زمنخسری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل، چاپ سوم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۷۰ ه. ق.
- زبیدی، محمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ دوم، دارالفکر، ۱۴۲۴ ه. ق.
- سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، ۱۳۸۳.
- سلمان‌زاده، جواد، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- سیاح، احمد (۱۳۷۱)، فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی به فارسی، توحید، انتشارات اسلام، ۱۳۷۱.
- سیوطی، جلال‌الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، انتشارات بیدار، قم، بی‌تا.
- شریفی‌نیا، محمدحسین، «معناشناسی قرآن کریم»، حوزه و دانشگاه، سال دهم، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۸۳.
- شفیعی مازندران، سیدمحمد، زهد اسلامی، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- صفوی، کوروش، «شیوه نقد ترجمه»، مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹.
- صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۳.
- صلحجو، علی، «بحثی در مبانی ترجمه»، نشر دانش، سال ششم، شماره ۵، ۱۳۶۵.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقدمه و پاورقی شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۵۰.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ نوزدهم، انتشارات بنیاد علمی علامه طباطبائی، قم، ۱۳۸۱.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۷ ه. ق.

الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ ه. ق.

عبدالباقی، فؤاد، المعجم المفهرس، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۷. عبدالنواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغه و زبان شناسی عربی، ترجمه حمیدرضا شیخی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

عوا، سلوی محمد، بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن کریم، ترجمه حسین سیدی، شرکت به نشر، مشهد، ۱۳۸۱.

فخر رازی، محمدبن حسین، مفاتیح الغیب (تفسیر الکبیر)، تحقیق ابراهیم شمس الدین و احمد شمس الدین، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ه. ق.

فخر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر الکبیر)، چاپ سوم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق.

فیض کاشانی، ملامحسن محمدبن مرتضی، الصافی فی تفسیر کلام الله، چاپ اول، دارالمرتضی، مشهد، بی تا.

قرآن کریم، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، توضیحات و واژه نامه، انتشارات نیلوفر، جامی، تهران، ۱۳۷۴.

قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، چاپ اول، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۶.

قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷.

قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۸.

لاینز، جان، *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*، ترجمه حسین واله، انتشارات گام نو، تهران، ۱۳۸۳.

مألف، لوئیس، *المعجم المفهرس الفاظ القرآن الکریم*، انتشارات اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۴.

مألف، لوئیس، *المنجد فی اللغة و الادب و العلوم*، بیروت، ۱۹۶۵.

مجلسی، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲.

مدکور، ابراهیم، *نهضت ترجمه در جهان اسلام*، مترجم: اسماعیل سعادت، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.

مطهری، مرتضی و مصباح یزدی، *محمدتقی، جهان بینی اسلامی (توحید - عدل)*، برگرفته از آثار علامه طباطبائی، شرکت چاپ و نشر ایران، قم، ۱۳۶۶.

معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپخانه مهر، قم.

معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، چاپ ششم، چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۶۳.

منافی اناری، سالار، *بررسی آثار ترجمه شده اسلامی (۱)*، تهران، انتشارات سمت، چاپ قم، ۱۳۷۶.

نامور فرگی، مجتبی، کره معنایی، رویکردی جدید به نظریه شبکه‌های معنایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، منتشر نشده، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶.

نیومارک، پیتر، *دوره آموزش متون ترجمه*، ویژه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، مترجمان منصور فهیم، سعید سبزیان مراد آبادی، رهنما، تهران، ۱۳۸۲.

واعظی، احمد، «ساخت‌های معناشناسی»، *حوزه و دانشگاه*، سال دهم، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۸۳.

Aitchison, J. (1987). *Words in the mind: An Introduction to the mental lexicon*. Oxford: Black well.

Amir Ali, Hashim: *The Message of the Quran (presented in perspective)*, chales E. Tuttle company, Inc. Tokyo, Japan, 1974.

Anand Vishwanath, Hudli (1989) NVL-A knowledge representation language based on semantic networks

Arberry, A. J. The Koran Interpreted, Oxford university press, London, 1972.

Asad, Muhammad: The message of the Qur'an, Dar-al-Andalus limited, 3 library ramp, Gibraltar, 1986?.

Catford, J.C. A linguistic theory of translation. Oxford university press. 1979.

Chaffin, R. and Hermann, D. J. (1988). The nature of semantic relations: A comparison of two approaches. In Martha Walton Evans. (ed.). relational models of the lexicon: Representing knowledge in semantic networks. Cambridge: Cambridge university press, pp. 289-334.

Davidson, Louis (2001). Professional SQL server 2000 database design, wrox press Ltd.

Dawood, N.J. The Koran, (translated into English), penguin books, 1974.

Gregory, Howard, 2000. semantics. London and New York Roubledge.

Holm, P. and Karlgren, K. Theories of meaning and different perspectives. <http://www.pholm.klas@dsv.suse>.

Howard Andrew, Winston (1984) A Natural Model Of A Semantic Network.

Hudli, Anand Vishwanath, (1989) NVL-A knowledge representation language based on semantic networks

Irving, T. B. The Qur'an, (the first American version), translation and commentary brattleboro, Vermont, amana books, 1965.

Jackson, H. and Amuela, E. Z. (2000). Words, meaning and vocabulary: An Introduction of modern English lexicology. The Cromwell press, Trowbridge.

Kempson, Ruth, M., "Semantic Theory", "Cambridge university press", Cambridge, 1997.

Lyons, John, 1977. Semantics, Vol, 1 and 2. Cambridge university press.

Lyons, J. (1977) Semantics, vols 1&2: Cambridge: Cambridge university press.

New mark, Peter, 1984. approaches to translation. Oxford, New York: pergamon press.

Nida, Eugene, A. & Tabor, Charles R. The theory and practice of translation, Leiden, 1982.

Palmer, E.H. The Koran (Qur'an) (translated into English), Oxford university press, London, 1954.

Palmer, Frank. R. 1995. Firth and the London school of linguistics. In concise history of language sciences: From the Sumerians to the cognitivists. Ed., E.F.K., Korner and R.E., Asher, Pergamon.

Pickt hall, M. The meaning of the Glorious Qur'an, Salehi publications, Tehran.

Richards, Jack, C., John Platt, John and Platt, Heidi, 1985. Longman Dictionary of language teaching and applied linguistics, London: language.

Rodwell, Jom. The Koran (translated into English), Every man's library, London, 1974. .

Safarzade (cd) Sapir, E. (1921). Language. New York: Har court, Bra? and world.